

روبرتو باجو

دری رو به آسمان

www.ketab.ir

ترجمه و ویرایش ماشاله صفری



سرشناسه: باجو، روبرتو، ۱۹۶۷- م. Baggio, Roberto, ۱۹۶۷-
 عنوان و نام پدیدآور: روبرتو باجیو؛ دری رو به آسمان/ روبرتو باجیو؛ ترجمه‌ی ماشاله صفری.
 مشخصات نشر: تهران: گلگشت، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۸۴ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 موضوع: باجو، روبرتو، ۱۹۶۷- م. -- مصاحبه‌ها موضوع: Baggio, Roberto, ۱۹۶۷- -- Interviews
 موضوع: فوتبالبست‌ها -- ایتالیا -- مصاحبه‌ها
 Soccer players -- Italy -- Interviews
 شناسه افزوده: صفری، ماشالله، ۱۳۶۲-، مترجم
 رده بندی کنگره: GV۹۴۲/۷ رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۳۹۶۳

روبرتو باجو

Roberto Baggio



نشر گلگشت

روبرتو باجو / ماشاله صفری

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی است

/قیمت/ با عرض شرمندگی قیمت‌ها را در سایت گلگشت بیابید/
 /این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است/

/صفحه‌آرایی/ امیرعباس صفری/
 /طرح جلد/ امیرعباس صفری/
 /نوبت چاپ/ اول/ ۱۴۰۱/
 /تیراژ/ ۵۰۰ جلد/
 /شابک/ ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۸۹-۵۹-۱/

تلفن: ۳۳۹۸۲۸۸۸ {+۹۸۲۱}
 ۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰ {+۹۸}
 فکس: ۴۳۸۵۲۹۳۳ {+۹۸۲۱}

goalgasht
 goalgasht
 goalgasht

خرید اینترنتی:
 goalgasht.ir

R. BAGGIO

10

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

www.ketab.ir

۱۰ ساله بودم و هنوز در حال کشف دنیای شگفت‌انگیز فوتبال و قهرمانانش. اشتیاقم برای بیدار ماندن همراه پدر و دایی‌ام و تماشای جام جهانی ۱۹۹۴ را به یاد دارم، بازیهایی که نیمه شب پخش می‌شد و من ۱۰ ساله هرگز نتوانستم برای دیدنشان بیدار بمانم. فقط می‌دانستم دایی طرفدار ایتالیاست و بدون اینکه چیزی از آنها بدانم من هم ایتالیایی بودم. از گفتگوهای بزرگترها شنیدم برزیل قهرمان جهان شده و ایتالیای من فینال را باخته. حال دایی گرفته بود اما حس می‌کردم چقدر تیمش را دوست دارد.

کمی بعد، از ویدئو کلوپ میدان چیدر، با شناسنامه‌ام نوار وی‌اچ‌اس منتخب جام جهانی ۹۴ آمریکا را گرفتم. دوان دوان به خانه برگشتم و با اشتیاق نوار را وارد ویدئو کردم و تلویزیون سونی ۲۱ اینچ رنگی را روشن. دوست داشتم

بدانم چه چیزی بزرگترها را تا صبح بیدار نگه می‌دارد و ایتالیای دایی چه طعمی است. چمن سبز، تماشاگران بی‌شمار و پیراهن‌های رنگی مرا مبهوت خود کرد. چیزی به آن زیبایی تا آن زمان ندیده بودم. صحنه‌های بازیها را پشت هم دیدم تا به ایتالیا رسیدم. پیراهن لاجوردی بر تن نیمه‌خدایانی که انگار از قعر افسانه‌های یونان پا به زمین فوتبال گذاشته‌اند. نام‌ها را دانه دانه یاد می‌گرفتم و غرق زیبایی‌شان بودم. مالدینی، کاستاکورتا، پالیوکا، آلبرتینی و.... روبرتو باجو. این آخری در همان نگاه اول دل کودک ده ساله را برد. چهره‌ی اسطوره‌ای، موهای دم‌اسبی، شماره‌ی ۱۰ و جادوی پاهایش. احساس می‌کردم با تمام بازیکنان دیگر فرق دارد. انگار هاله‌ای از تقدس دورش را گرفته بود و او را متمایز می‌کرد. باجو گل می‌زد و ایتالیا جلو می‌رفت. با هیجان نگاه می‌کردم و منتظر قهرمانی آنها بودم، می‌دانستم قهرمان نشده‌اند، اما منتظر بودم باجو بر جام جهانی بوسه بزند و شوق و شادیم را دو چندان کند. از بازی فینال، بوسه‌ی پالیوکا بر تیر دروازه، دستان گره‌کرده‌ی برزیلی‌ها و آفتاب کالیفرنیا را به یاد دارم. و ضربات پنالتی... وقتی روبرتو باجو پنالتی‌اش را به آسمان زد، عاشق شدم. عاشق باجو، عاشق ایتالیا و عاشق درام‌های جاری در فوتبال. باجو به چمن پاسادنا خیره بود و من به او. باجو به انتقام فکر می‌کرد و من به زیبایی‌های فوتبال... زیبایی‌هایی که مرا برای سالها غرق می‌کرد. فوتبالی که قرار بود غمگینم کند، قرار بود طعم تلخ شکست را به من بچشاند و زندگیم را عوض کند، اما ناامید نه. حالا فهمیده بودم که چرا دایی حتی بعد از باخت هم تیمش را دوست داشت. شاهد شکست ایتالیا در جام جهانی ۹۸ و ۲۰۰۲ بودم و در ۲۰۰۶ یادگرفتم که ناامید نشدن و جنگیدن چه قدرتی دارد. ایتالیای من قهرمان شد و در حالیکه توتی، دلپیرو، بوفون و پیرلو را تماشا می‌کردم که روی چمن برلین شادی می‌کنند، فقط به این فکر می‌کردم چقدر جای روبرتو باجو خالی است.

ماشالله صفری

بهار ۱۴۰۲

مقدمه‌ای از ویتوریو پتروونه، نویسنده

R.BAGGIO

10

www.ketab.ir

«چی می‌گی روبی؟ نظرت چیه زندگی نامه‌ات رو بنویسی؟»

- واقعا فکر می‌کنی برای کسی مهمه چه اتفاقی برام افتاده؟

در همین مکالمه‌ی دو جمله‌ای، همه چیز را می‌توان درباره‌ی روبرتو باجو فهمید. رازداری بی‌پایانش، توافعی که برای بسیاری ناشناخته است و خجالتش از ترس اینکه کسی علاقه‌ای به زندگیش نداشته باشد.

بعد از گذشت بیشتر از بیست سال، از زمانی که اولین نسخه‌ی دروازه‌ای به آسمان را منتشر کردیم، معنا و هدفی که در آن زمان برای خود تعیین کرده بودیم تغییر نکرده است: بیان ساده‌ی حقیقت محض، داستان‌ها و حکایت‌های زندگی روبرتو بدون اینکه از عمق مردی بکاهم که در نبردهای بی‌پایانش تبدیل به یکی از قهرمانان دنیای مدرن شد. مردی که همه تحسینش

/۱۲/ روبرتو باجو /

می‌کنند و دوستش دارند.
همراهی او در این ۲۷ سال افتخاری بزرگ و بی‌پایان بود. نزدیکی به او، به
من فهماند که روبی باجو چقدر بزرگ است.

